

مأخذ جزوه کار و آموزش

۷-۱۳ دسامبر

گنج‌هایی در کلام خدا | لاویان ۱۰-۱۱

«يَهُوه را بیشتر از خانواده‌مان دوست بداریم»

(لاویان ۱۰:۲) ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک بخورسوزهای خود را برگرفته، در آنها آتش نهادند و بر آتش بخور گذاشتند. آنها آتشی غریب که خداوند بدیشان فرمان نداده بود، به حضور وی تقدیم کردند.^۲ پس آتش از حضور خداوند به در آمده، آنان را فرو بلعید و در حضور خداوند مردند.

۱۱۷۴ ص E-۱-it

آتش و بخور غیرمجاز

در لاویان ۱۰:۱ منظور از «آتش غریب» آتشی است که خداوند آوردن آن را برای ناداب و ابیهو مجاز ندانسته بود. با این حال، این دو پسر هارون آن آتش غیرمجاز را به حضور يَهُوه آوردند و در نتیجه جانشان را در آتش از دست دادند. (لا ۱۰:۲؛ اعد ۴:۳؛ ۶۱:۲۶) پس از آن واقعه، يَهُوه به هارون گفت: «وقتی به خیمه ملاقات داخل می‌شوید، شراب و دیگر مُسکرات منوشید، نه تو و نه پسرانت با تو، تا نمیرید. این است فریضه‌ای ابدی در همه نسل‌هایتان. شما باید میان مقدس و غیرمقدس، و نجس و طاهر تمایز قائل شوید، و همه فرایضی را که خداوند به واسطه موسی به بنی‌اسرائیل گفته است، به آنان بیاموزید.» (لا ۱۰:۸-۱۱) بنابراین از این آیه‌ها متوجه می‌شویم که ناداب و ابیهو به دلیل مصرف بیش از حد الکل جرأت کردند آن آتش غیرمجاز را به حضور يَهُوه بیاورند. احتمالاً آن آتش از این جهت غیرمجاز بود که در زمان، مکان یا به شیوه‌ای نادرست تقدیم شد یا بخور آن بر اساس خروج ۳۵، ۳۴:۲۰ درست نشده بود. البته مستی آن‌ها توجیهی برای گناهانشان به حساب نیامد.

(لاویان ۱۰:۴، ۵) موسی می‌شائیل و ایصافان، پسران عزرائیل عموی هارون را فرا خواند و به آنان گفت: «نزدیک آید و برادران خود را از جلوی قُدس به بیرون اردوگاه ببرید.»^۵ پس نزدیک آمدند و چنانکه موسی گفته بود، آنان را با پیراهن‌هایشان بیرون از اردوگاه بردند.

(لاویان ۱۰:۶، ۷) سپس موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتمار گفت: «موهای سر خود را باز مکنید و جامه خویش را چاک مزید تا نمیرید و غضب بر تمام جماعت نازل نشود. اما برادرانتان، یعنی همه خاندان اسرائیل، می‌توانند به سبب آتشی که خداوند افروخته است زاری کنند.»^۷ از در خیمه ملاقات بیرون مروید، مبدا بمیرید، زیرا روغن مسح خداوند بر شماست.» پس آنان مطابق سخن موسی عمل کردند.

ب ۷/۱۵ ص ۳۱ ۱۶۱

آیا به آرامی خدا داخل شده‌اید؟

^{۱۶} هارون برادر موسی در رابطه با دو پسرش در موقعیتی دشوار قرار گرفت. احساس وی را تصوّر کنید وقتی پسرانش ناداب و ابیهو آتش غیرمجاز به يَهُوه تقدیم کردند و کشته شدند. هارون هم پسرانش را از دست داده بود هم مشکلی دیگر وضعیت را برای او و خانواده‌اش دشوارتر ساخته بود. يَهُوه خدا به هارون و پسران باقی‌مانده‌اش چنین دستور داد: «عزاداری ننمایید، موی سرتان را ژولیده نکنید و گریبان لباس خود را چاک نزنید. اگر عزاداری کنید خدا شما را نیز هلاک خواهد کرد و خشم او بر تمام قوم اسرائیل افروخته خواهد شد.» (لاو ۱۰:۶-۱۰، ترجمه تفسیری) پیام خدا بسیار روشن بود. محبت و دلبستگی ما به يَهُوه باید بیشتر از محبت و دلبستگی‌مان به عضو خطاکار خانواده باشد.

(لاویان ۸:۱۰-۱۱) سپس خداوند هارون را خطاب کرده، گفت: ^۹ «وقتی به خیمه ملاقات داخل می‌شوید، شراب و دیگر مُسکرات ننوشید، نه تو و نه پسرانت با تو، تا نمیرید. این است فریضه‌ای ابدی در همه نسلهایتان. ^{۱۰} شما باید میان مقدس و غیرمقدس، و نجس و طاهر تمایز قائل شوید، ^{۱۱} و همه فریضی را که خداوند به واسطه موسی به بنی‌اسرائیل گفته است، به آنان بیاموزید.»

ب ۱۱/۱۵ ۱۳ ص ۱۸۲

در همه رفتار خود مقدس باشیم

^{۱۸} برای مقدس ماندن لازم است کتاب مقدس را به دقت بررسی کنیم و خواست خدا را انجام دهیم. توجه کنید که ناداب و ابیهو، پسران هارون به دلیل استفاده از «آتش غیرمجاز» کشته شدند؛ البته احتمالاً مست نیز بودند. (لاو ۱۰:۱، ۲، ترجمه تفسیری) دقت کنید که خدا پس از آن به هارون چه گفت. (لاویان ۸:۱۰-۱۱ خوانده شود). آیا مفهوم این آیات این است که قبل از رفتن به جلسه به هیچ وجه نباید مشروبات الکلی نوشید؟ به این نکات توجه کنید: ما تحت شریعت موسوی قرار نداریم. (روم ۴:۱۰) در برخی از سرزمین‌ها، هم‌ایمانان ما قبل از رفتن به جلسه هنگام صرف غذا به اعتدال کمی مشروبات الکلی می‌نوشند. به خاطر آورید که در جشن فصّح چهار جام شراب استفاده می‌شد. به علاوه، وقتی عیسی یادبود مرگش را بنیان نهاد از رسولانش خواست شرابی را بنوشند که مظهر خورش بود. (مت ۲۶:۲۷) البته، کتاب مقدس افراط در نوشیدن الکل و مستی را محکوم می‌کند. (۱ قر ۱۰:۶؛ ۱ تیمو ۳:۸) به علاوه، وجدان برخی از مسیحیان به آنان اجازه نمی‌دهد که قبل از انجام دادن هر نوع خدمت مقدس از مشروبات الکلی استفاده کنند. با این حال، رسوم هر سرزمین با رسوم سرزمینی دیگر متفاوت است و برای مسیحیان اهمیت دارد که «مقدس را از غیرمقدس

تشخیص دهند، تا برای خشنودی خدا رفتاری مقدس داشته باشند.

(لاویان ۸:۱۱) از گوشت آنها مخورید و به لاشه آنها دست مزینید؛ بر شما حرام است.

۱۲-۲-E ص ۱۱۱ ۵۲

حیوانات

در لاویان ۸:۱۱ در رابطه با برخی از حیوانات آمده است: «نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است.» (ترجمه تفسیری) این حکم خطاب به قوم اسرائیل بود که تحت شریعت بودند. وقتی عیسی جانس را در راه بشر فدا کرد، شریعت موسی منجمله این حکم منسوخ شد. امروزه حکمی که شامل مسیحیان می‌شود، همان حکمی است که در رابطه با خوردن گوشت حیوانات پس از توفان، به نوح داده شد. —کو ۱۳:۲-۱۷؛ پی ۹:۳، ۴.

خواندن کتاب مقدس

(لاویان ۱۵:۱-۱۰) ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک بخورسوزهای خود را برگرفته، در آنها آتش نهادند و بر آتش بخور گذاشتند. آنها آتشی غریب که خداوند بدیشان فرمان نداده بود، به حضور وی تقدیم کردند. ^۲ پس آتش از حضور خداوند به در آمده، آنان را فرو بلعید و در حضور خداوند مردند. ^۳ آنگاه موسی به هارون گفت: «این است فرموده خداوند: «در میان آنان که نزدیک مَنند، تقدیس خواهم شد، و پیش روی همه قوم جلال خواهم یافت.» پس هارون خاموش ماند. ^۴ موسی می‌شائیل و اِصفان، پسران غُزئیل عموی هارون را فرا خواند و به آنان گفت: «نزدیک آید و برادران خود را از جلوی قُدس به بیرون اردوگاه ببرید.» ^۵ پس نزدیک آمدند و چنانکه موسی گفته بود، آنان را با پیراهنهایشان

«از قوانین مربوط به جذام چه می‌آموزیم؟»

(لاویان ۱۳: ۴، ۵) اما اگر آن لک که بر پوست بدن اوست سفید باشد ولی عمیقتر از پوست به نظر نیاید و موی آن قسمت سفید نشده باشد، کاهن باید شخص مبتلا را هفت روز قرنطینه کند. ۵ در روز هفتم کاهن او را بیازماید، و اگر به نظرش بیماری متوقف شده و در پوست پخش نشده است، هفت روز دیگر نیز او را قرنطینه کند.

ب ۱/۱۸ ص ۷

قدیمی و بی‌فایده یا فرای زمان خود و مفید؟

• دور کردن بیمار از دیگران.

در شریعت موسی تجویز شده بود که جذامیان باید از دیگر مردم دور نگاه داشته می‌شدند. در واقع در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر در قرون وسطی بود که پزشکان دریافتند این اصل را به کار بندند، عملی که حتی تا به امروز هم مؤثر شمرده می‌شود. —لاویان، ۱۳ و ۱۴.

(لاویان ۱۳: ۴۵، ۴۶) «کسی که به بیماری جذام مبتلاست باید جامهٔ پاره بر تن کرده، موهای سر خود را باز کند و پایین صورت خود را پوشانده، فریاد برکشد: «نجس! نجس!» ۴۶ او تا زمانی که به این بیماری مبتلاست نجس خواهد ماند. او نجس است. باید تنها زندگی کند و مسکن او بیرون از اردوگاه باشد.

ب ۴/۱۶ ص ۹ ۱۱

آیا می‌دانستید که . . .

یهودیان باستان از نوعی جذام که در آن زمان رایج بود وحشت داشتند. این بیماری، سیستم عصبی بدن را

بیرون از اردوگاه بردند. ۶ سپس موسی به هارون و پسرانش اِلازار و ایتامار گفت: «موهای سر خود را باز مکنید و جامهٔ خویش را چاک مزید تا نمیرید و غضب بر تمام جماعت نازل نشود. اما برادرانتان، یعنی همهٔ خاندان اسرائیل، می‌توانند به سبب آتشی که خداوند افروخته است زاری کنند. ۷ از درِ خیمهٔ ملاقات بیرون مروید، مبادا بمیرید، زیرا روغن مسح خداوند بر شماست.» پس آنان مطابق سخن موسی عمل کردند. ۸ سپس خداوند هارون را خطاب کرده، گفت: ۹ «وقتی به خیمهٔ ملاقات داخل می‌شوید، شراب و دیگر مُسکرات منوشید، نه تو و نه پسرانت با تو، تا نمیرید. این است فریضه‌ای ابدی در همهٔ نسل‌هایتان. ۱۰ شما باید میان مقدس و غیرمقدس، و نجس و طاهر تمایز قائل شوید، ۱۱ و همهٔ فرایضی را که خداوند به واسطهٔ موسی به بنی‌اسرائیل گفته است، به آنان بیاموزید.» ۱۲ موسی به هارون و دو پسر بازمانده‌اش، اِلازار و ایتامار گفت: «هدیهٔ آردی را که از هدایای اختصاصی خداوند باقی مانده است بگیرید و آن را بی‌خمیرمایه در کنار مذبح بخورید، زیرا که بسیار مقدس است. ۱۳ آن را در مکانی مقدس بخورید، چراکه این سهم تو و سهم پسران تو از هدایای اختصاصی خداوند است، زیرا که من چنین فرمان یافته‌ام. ۱۴ اما سینهٔ تکان‌دانی و رانِ افراشتنی را تو و پسران و دخترانت با تو، در محلی طاهر بخورید، زیرا که این سهم تو و سهم پسران تو از قربانیهای رفاقت بنی‌اسرائیل است. ۱۵ رانِ افراشتنی و سینهٔ تکان‌دانی را باید با تکه‌های چربی هدایای اختصاصی بیاورند تا به عنوان هدیهٔ تکان‌دانی به حضور خداوند تکان داده شود. این به عنوان فریضهٔ ابدی از آن تو و پسرانت خواهد بود، چنانکه خداوند فرمان داده است.»

خراب می‌شد و مصالح آن در مکانی نجس بیرون از شهر انداخته می‌شد. اگر کاهن خانه را طاهر اعلام می‌کرد، برای تطهیر آن، مراسمی برگزار می‌شد. — لا ۳۳:۱۴-۵۷.

کندوکاو برای یافتن گوهرهای روحانی

(لاویان ۲:۱۲) «قوم اسرائیل را بگو: اگر زنی آبستن شود و پسری بزاید، آن زن هفت روز نجس خواهد بود. او مانند دورهٔ عادت ماهانه، نجس خواهد بود.

(لاویان ۵:۱۲) اما اگر دختری بزاید، آنگاه دو هفته نجس خواهد بود، همان‌گونه که در دورهٔ عادت ماهانه نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود طاهر شود.

ب ۶/۱ ۰۴ ص ۳۱ ۳۱

نکاتی از کتاب لاویان

۲:۱۲، ۵ — چرا زایمان، زن را ناپاک یا «نجس» می‌کرد؟ آلات تناسلی برای این ساخته شده بودند تا کاملیت را به فرزندان آدم و حوّا انتقال دهند. اما به دلیل گناهی که آدم و حوّا مرتکب شدند، ناکاملیت و گناه به فرزندان آن‌ها انتقال یافت. دورهٔ ناپاکی در رابطه با زایمان، عادت‌ماهانه و خروج منی، به قوم اسرائیل یادآوری می‌کرد که گناه و ناکاملیت را به ارث برده‌اند. (لاویان ۱۵:۱۶-۲۴؛ مزمور ۵:۵۱؛ رومیان ۵:۱۲) قوانین طهارت به اسرائیلیان کمک می‌کرد تا احتیاج به فدیۀ قربانی را که گناه را می‌پوشاند و کاملیت را به انسان باز می‌گرداند، بهتر درک کنند. از این جهت شریعت «لالای آنان شد تا به مسیح برسند»، — غلاطیان ۳:۲۴.

(لاویان ۳:۱۲) در روز هشتم، پوست قُلْفَهٗ آن پسر باید ختنه شود.

ب ۱/۱۸ ص ۷

قدیمی و بی‌فایده یا فرای زمان خود و مفید؟

• زمان ختنه.

در شریعت موسی قید شده بود که نوزادان پسر باید در

مختل می‌کرد که به صدمات جسمی جبران‌ناپذیر و نقص عضو می‌انجامید. در آن زمان هیچ درمانی برای جذام وجود نداشت. افراد مبتلا به آن قرنطینه می‌شدند و موظف بودند دیگران را از بیماری خود آگاه سازند. — لاویان ۴۵:۱۳، ۴۶.

(لاویان ۵۲:۱۳) او باید جامه را با تمامی تار و پودش، خواه پشمی و خواه کتانی، و یا هر شیئی چرمی دیگر را که کپک زده است بسوزاند، زیرا خوره است. آن را باید به آتش سوزانید.

(لاویان ۵۷:۱۳) اگر بار دیگر بر جامه ظاهر شد، خواه در تار و خواه در پود، و یا در شیئی چرمی، در حال پیشروی است. آنچه را کپک زده است به آتش بسوزانید.

E-۲-۱۲ ص ۲۲۸ ۳۱

جذام

وجود جذام در لباس و خانه. برخی معتقدند که منظور از جذام ذکرشده در کتاب لاویان نوعی کپک بوده است. اما در زبان اصلی به جای «کپک» به جذام بدخیم اشاره شده است. این جذام می‌توانست لباس‌های پشمی، کتانی یا چرمی را آلوده کند. این آلودگی اغلب با شست‌وشو از بین می‌رفت. همچنین در شریعت قوانینی در رابطه با جدا کردن آن اشیای آلوده آمده بود. اما در صورتی که لکه‌های سبز یا سرخ بر شی یا لباسی ظاهر می‌شد، نشانگر جذام بدخیم یا «کپک زیان‌آور» بود و اسرائیلیان می‌بایست آن را در آتش می‌سوزانند. (لا ۴۷:۱۳-۵۹) اگر فرورفتگی‌هایی سبزرنگ یا سرخ‌رنگ روی دیوار خانه‌ای ظاهر می‌شد، کاهن آن خانه را برای مدتی می‌بست. سپس فرمان می‌داد تا «سنگهای کپک‌زده را برگنده، آنها را در مکانی نجس بیرون از شهر بیفکنند. سپس درون خانه را دورتادور بتراشند، و خاک تراشیده شده را در مکانی نجس بیرون از شهر بریزند.» اگر آن جذام یا کپک دوباره برمی‌گشت، خانه نجس محسوب می‌شد و باید

روز هشتم ختنه شوند. (لاویان ۱۲:۳) قابلیت انعقاد خون در نوزادان پس از هفته اول زندگی به حد معمول می‌رسد. در زمانی که کتاب مقدس نوشته شد و پیشرفت پزشکی بسیار محدود بود، این که گفته شد، پس از یک هفته نوزاد ختنه شود، بسیار حکیمانه بود.

خواندن کتاب مقدس

(لاویان ۱۳:۹-۲۸) «اگر کسی به بیماری جذام مبتلا باشد، باید او را نزد کاهن بیاورند،^{۱۰} و کاهن ملاحظه کند. اگر دید تاؤل سفیدرنگی در پوست است که مو را سفید کرده است، و گوشت تازه و زنده در تاؤل وجود دارد،^{۱۱} پوست بدن وی به جذام مزمن مبتلا است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. لازم نیست او را قرنطینه کند، زیرا نجس است.^{۱۲} اگر جذام در پوست پخش شده باشد، به گونه‌ای که تا آنجا که کاهن می‌تواند ببیند تمامی پوستِ شخص مبتلا را از سر تا پا پوشانیده باشد،^{۱۳} در آن صورت کاهن ملاحظه کند؛ اگر همه بدن او که جذام آن را پوشانده به تمامی سفید شده باشد، کاهن او را از بیماری طاهر اعلام کند؛ او طاهر است.^{۱۴} اما اگر گوشت تازه بر بدن او نمایان شود، نجس خواهد بود.^{۱۵} کاهن باید گوشت تازه را آزموده، وی را نجس اعلام کند. گوشت تازه نجس است، زیرا جذام است.^{۱۶} اما اگر گوشت تازه بهبود یابد و بار دیگر سفید شود، او باید نزد کاهن برود.^{۱۷} کاهن او را بیازماید، و اگر بیماری سفید شده باشد، شخص مبتلا را طاهر اعلام کند؛ او طاهر است.^{۱۸} «اگر بر پوست بدن کسی دُمَلی باشد و بهبود یابد،^{۱۹} و در جای دُمَل، تاؤل سفیدرنگ یا لک سفید مایل به سرخی ظاهر شود، باید آن را به کاهن نشان داد.^{۲۰} کاهن ملاحظه کند؛ اگر عمیقتر از پوست به نظر آید و موی آن سفید شده باشد، در آن صورت، او را نجس اعلام کند. این جذام است که در دُمَل

بروز کرده است.^{۲۱} اما اگر کاهن آن را بیازماید و موی سفید در آن یافت نشود و عمیقتر از پوست نباشد بلکه کم‌رنگ شده باشد، در آن صورت، هفت روز او را قرنطینه کند.^{۲۲} اگر در پوست پخش شد، کاهن او را نجس اعلام کند؛ این بیماری است.^{۲۳} اما اگر لک در یک جا بماند و پخش نشود، صرفاً جای زخم دُمَل است، و کاهن باید او را طاهر اعلام کند.^{۲۴} «یا اگر قسمتی از پوست بدن سوخته باشد و در گوشت تازه سوختگی لک سفید مایل به سرخ یا لک سفیدی وجود داشته باشد،^{۲۵} کاهن آن را بیازماید. اگر مویی که در لک است سفید شده باشد و لک عمیقتر از پوست به نظر آید، در آن صورت بیماری جذام در سوختگی بروز کرده است. کاهن باید او را نجس اعلام کند؛ این، بیماری جذام است.^{۲۶} اما اگر کاهن آن را بیازماید و موی سفید در لک یافت نشود و عمیقتر از پوست نیز نباشد بلکه کم‌رنگ شده باشد، کاهن هفت روز او را قرنطینه کند.^{۲۷} سپس در روز هفتم او را بیازماید. اگر لک در پوست پخش شده باشد، او را نجس اعلام کند؛ این، بیماری جذام است.^{۲۸} اما اگر لک در جای خود بماند و در پوست پخش نشود، بلکه کم‌رنگ شده باشد، تاؤلی است که بر اثر سوختگی پدید آمده، و کاهن باید او را طاهر اعلام کند، زیرا صرفاً جای سوختگی است.

۲۷-۲۱ دسامبر

گنج‌هایی در کلام خدا | لاویان ۱۴-۱۵

«برای پرستش خدای پاک باید پاک باشیم»

(لاویان ۱۵:۱۳-۱۵) «وقتی دارنده ترشح از ترشح خود طاهر شود، باید هفت روز برای تطهیر خود بشمارد. سپس جامه خود را بشوید و در آب زلال غسل کند، و آنگاه طاهر خواهد بود.^{۱۴} روز هشتم باید دو قمری

جهت نجاست خونریزی او، در حضور خداوند برایش کفّاره به جا خواهد آورد.

۱۲-۲-E ص ۳۷۲ ۲۱۱

قاعدگی

یک زن طی دوره خونریزی خود یا اگر به هر دلیلی دوره خونریزی‌اش بیشتر از حد معمول ادامه می‌داشت، ناپاک محسوب می‌شد. همچنین اگر در طی آن دوران بر روی چیزی می‌نشست یا دراز می‌کشید آن شی نجس به حساب می‌آمد و حتی کسانی که آن را لمس می‌کردند نیز ناپاک یا «نجس» محسوب می‌شدند. در شریعت آمده بود: «وقتی او از خونریزی خود طاهر شود، باید هفت روز بشمارد، و پس از آن طاهر خواهد بود. روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر بگیرد و آنها را نزد کاهن، به در خیمه ملاقات بیاورد. کاهن یکی را به عنوان قربانی گناه و دیگری را به عنوان قربانی تمام‌سوز تقدیم کند.»—لا ۱۹:۳۰-۱۵.

(لاویان ۱۵:۳۱) «بدین‌گونه باید قوم اسرائیل را از نجاستشان جدا سازید، مبادا با نجس کردن مسکن من که در میان ایشان است، در نجاست خود بمیرند.»

۱۲-۱-E ص ۱۱۳۳

مکان مقدّس

کل خیمه عبادت و بعدها معبد با محوطه‌شان در دید خدا مقدّس بود. (خر ۲۴:۳۸؛ ۲ تو ۵:۲۹؛ اء ۲۱:۲۸) وسایل مقدّسی همچون مذبح قربانی تمام‌سوز و حوض برنجین در محوطه خیمه عبادت قرار داشت. تنها کسانی که با انجام مراسم پاک‌سازی پاک شده بودند، اجازه ورود به محوطه خیمه عبادت را داشتند. در نتیجه کسی که ناپاک بود اجازه ورود به این محوطه را نداشت. به عنوان مثال، زنی که ناپاک بود اجازه ورود به قدس یا دست زدن به وسایل مقدّس را نداشت. (لا ۱۲:۴-۲) به علاوه اگر اسرائیلیان خود را در دید خدا پاک نمی‌ساختند، «مسکن» یا همان خیمه عبادت را نیز

یا دو جوجه کبوتر بگیرد و به در خیمه ملاقات به حضور خداوند آمده، آنها را به کاهن بدهد. ۱۵ کاهن باید آنها را تقدیم کند، یکی را به عنوان قربانی گناه و دیگری را به عنوان قربانی تمام‌سوز. آنگاه کاهن به جهت ترشح او در حضور خداوند برایش کفّاره به جا خواهد آورد.

۱۲-۱-E ص ۲۶۳

مراسم پاک‌سازی

اسرائیلیان به دلایل مختلف برای پاک‌سازی خود باید مراسمی را برگزار می‌کردند. برای مثال، کسی که از جذام شفا پیدا کرده بود، کسی که به وسایل «دارنده ترشح» دست زده بود، «مردی که از او منی خارج شده بود»، زنی که «خونریزی قاعدگی» داشت یا کسانی که با هم رابطه جنسی داشتند، «نجس» محسوب می‌شدند و باید خود را در آب «غسل» می‌دادند. (لا ۱۴:۸، ۹؛ ۱۵:۴-۲۷) مراسم پاک‌سازی شامل چه کسان دیگری می‌شد؟ در شریعت آمده است: «هر که جنازه‌ای را لمس کند، و «هر که به خیمه‌ای درآید که کسی در آن مرده باشد، ناپاک محسوب می‌شد و باید با آب تطهیر پاک می‌شد. اما اگر کسی که نجس بود خود را تطهیر نمی‌کرد، آن شخص باید از میان جماعت منقطع می‌شد، زیرا قدس خداوند را نجس کرده بود.» (اعد ۱۹:۱۳، ۱۴، ۲۰) بنابراین می‌توان گفت مراسم پاک‌سازی نشانگر این است که پاک بودن در نظر یهوه بسیار مهم است. (مز ۶:۲۶؛ ۷۳:۱۳؛ اش ۱:۱۶؛ حز ۹:۱۶) به علاوه می‌توانیم خود را به اصطلاح با «آب کلام خدا» پاک سازیم.—اف ۵:۲۶.

(لاویان ۱۵:۲۸-۳۰) وقتی او از خونریزی خود طاهر شود، باید هفت روز بشمارد، و پس از آن طاهر خواهد بود. ۲۹ روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر بگیرد و آنها را نزد کاهن، به در خیمه ملاقات بیاورد. ۳۰ کاهن یکی را به عنوان قربانی گناه و دیگری را به عنوان قربانی تمام‌سوز تقدیم کند. پس کاهن به

ناپاک می‌ساختند. (لا ۳۱:۱۵) کسانی که پس از شفافیشان از جذام می‌خواستند قربانی تقدیم کنند، اجازه نداشتند به داخل خیمه عبادت وارد شوند و تنها می‌توانستند آن قربانی را تا دم در آنجا ببرند. (لا ۱۱:۱۴) هیچ شخص ناپاک اجازه نداشت در محوطه خیمه عبادت یا معبد از گوشت قربانی رفاقت بخورد؛ اگر چنین می‌کرد کشته می‌شد. — لا ۲۰:۷، ۲۱.

کندوکاو برای یافتن گوهرهای روحانی

(لاویان ۱۴:۱۴) کاهن مقداری از خون قربانی جبران را بگیرد و بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود و بر شست دست راست و شست پای راست او بمالد. (لاویان ۱۷:۱۴) آنگاه مقداری از روغن باقی مانده در دست خود را بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود و بر شست دست راست و شست پای راست او، روی خون قربانی جبران، بمالد.

(لاویان ۲۵:۱۴) سپس بره قربانی جبران را ذبح کند، و مقداری از خون قربانی جبران را گرفته، بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود، و بر شست دست راست و شست پای راست او بمالد.

(لاویان ۲۸:۱۴) سپس مقداری از روغن را که در دست اوست بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود و بر شست دست راست و شست پای راست او، بر جای خون قربانی جبران بمالد.

E-1-it ص ۶۶۵ ۵۱۱

گوش

هنگام پایه‌گذاری کهنات اسرائیل، خدا به موسی فرمان داد تا مقداری از خون «قوچ انتصاب» را بر نرمه گوش راست هارون و پسرانش و روی دست راست و پای راست آن‌ها بمالد. این مراسم نشانگر این بود که آنچه گوش می‌دادند، آنچه انجام می‌دادند و قدم‌هایی که برمی‌داشتند می‌بایست شایسته مکانی می‌بود که

در آن خدمت می‌کردند. (لا ۲۲:۸-۲۴) مشابهاً کاهنان می‌بایست مقداری از خون قربانی جبران را همراه با مقداری روغن، بر نرمه گوش راست کسی می‌مالیدند که از بیماری جذام شفا یافته بود. (لا ۱۴:۱۴، ۱۷، ۲۵، ۲۸) همچنین برای کسی که می‌خواست تا آخر عمرش در برده‌گی ارباب خود بماند، مراسمی مشابه باید اجرا می‌شد. او را نزد در یا تیر چارچوب آن می‌بردند و گوشش را با درفشی سوراخ می‌کردند. این نشان روی گوش او نشان می‌داد که آن غلام به خواست خود می‌خواهد تا آخر عمرش دستورات اربابش را به گوش گیرد. — خر ۲۱: ۵، ۶.

(لاویان ۱۴:۴۳-۴۵) «اگر پس از کندن سنگها و تراشیدن خانه و خاک‌اندود کردن آن، کپک بار دیگر در خانه بروز کند و پخش شود،^{۴۴} کاهن باید داخل شود و ملاحظه کند. اگر کپک در خانه پخش شده باشد، خانه مبتلا به خوره است، و نجس به شمار می‌آید.^{۴۵} در آن صورت، باید خانه، یعنی سنگها و چوب و تمامی خاک آن را خراب کرده، بیرون از شهر به مکانی نجس ببرند.

E-g ۰۶/۱ ص ۱۴، کادر

کپک

آیا کپک در کتاب مقدس ذکر شده است؟

در زبان اصلی کتاب مقدس یک خانه می‌توانست دچار نوعی جذام شود که در ترجمه فارسی هزاره نو اغلب به صورت «کپک» برگردانده شده است. (لاویان ۱۴:۳۴-۴۸) برخی معتقدند که منظور از جذام یا جذام بدخیم در این آیات، نوعی قارچ یا کپک است؛ اما نمی‌توان در این مورد با قطعیت نظر داد. در هر صورت، خدا دستور داد که صاحبخانه باید خانه خود را کاملاً از آلودگی تمیز می‌کرد و مصالح آلوده را «در مکانی نجس» بیرون از شهر می‌ریخت. اما اگر این بلا برمی‌گشت، کل خانه نجس محسوب می‌شد و باید خراب می‌شد. جزئیات زیاد

در قوانین یهوه خدا نشان می‌داد که او قومش را عمیقاً دوست دارد و به سلامتشان اهمیت می‌دهد.

خواندن کتاب مقدس

(لاویان ۱:۱۴-۱۸) خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: ^۲ «این است قانون شخص جذامی در روز تطهیرش: او باید نزد کاهن آورده شود. ^۳ کاهن از اردوگاه بیرون رود و او را بیازماید. اگر جذامی از بیماری خود شفا یافته باشد، ^۴ کاهن فرمان دهد تا برای کسی که باید تطهیر گردد دو پرنده زنده و طاهر، و نیز چوب سرو، نخ قرمز و زوفا بیاورند. ^۵ سپس به فرمان کاهن یک پرنده را در ظرفی سفالین بر آب زلال سر ببرند. ^۶ آنگاه کاهن پرنده زنده را با چوب سرو، نخ قرمز، و زوفا گرفته، در خون پرنده‌ای که سرش بر آب زلال بریده شده است، فرو برد. ^۷ سپس خون را هفت مرتبه بر کسی که باید از جذام طاهر شود، بپاشد. آنگاه او را طاهر اعلام کند و پرنده زنده را در صحرا رها نماید. ^۸ شخصی که باید تطهیر شود جامه خود را بشوید، موی خود را به تمامی بتراشد و در آب غسل کند. آنگاه طاهر خواهد بود. پس از آن می‌تواند به اردوگاه داخل شود، اما باید هفت روز بیرون از خیمه خود به سر برد. ^۹ روز هفتم باید همه موی سر و ریش و ابروان خود، یعنی تمام موی خود را بتراشد. سپس باید جامه خود را بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد. آنگاه طاهر خواهد بود. ^{۱۰} «روز هشتم باید دو بره نرینه بی‌عیب و یک بره مادینه یک ساله و بی‌عیب، با سه‌دهم ایفه آرد مرغوب آمیخته به روغن برای هدیه آردی، و یک لوگ روغن بیاورد. ^{۱۱} سپس کاهن، کسی را که باید تطهیر شود، با این چیزها نزد خیمه ملاقات به حضور خداوند حاضر کند. ^{۱۲} کاهن یکی از بره‌های نرینه را گرفته، همراه با لوگ روغن به عنوان قربانی جبران

تقدیم کند. او آنها را به عنوان هدیه تکان‌دادنی به حضور خداوند تکان دهد. ^{۱۳} سپس بره را در مکانی که قربانی گناه و قربانی تمام‌سوز ذبح می‌شود، یعنی در مکان قدس، ذبح کند. زیرا قربانی جبران نیز مانند قربانی گناه از آن کاهن است و بسیار مقدس. ^{۱۴} کاهن مقداری از خون قربانی جبران را بگیرد و بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود و بر شست دست راست و شست پای راست او بمالد. ^{۱۵} همچنین مقداری از لوگ روغن گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد. ^{۱۶} سپس انگشت دست راست خود را در روغنی که در کف دست چپ اوست فرو برده، مقداری از روغن را با انگشت خود هفت بار به حضور خداوند بپاشد. ^{۱۷} آنگاه مقداری از روغن باقی مانده در دست خود را بر نرمه گوش راست کسی که باید تطهیر شود و بر شست دست راست و شست پای راست او، روی خون قربانی جبران، بمالد. ^{۱۸} باقی روغن را نیز که در دست اوست بر سر شخصی که باید تطهیر شود، بمالد. بدین‌گونه در حضور خداوند برایش کفاره به جا خواهد آورد.

۲۸ دسامبر-۳ ژانویه

گنج‌هایی در کلام خدا | لاویان ۱۶-۱۷

«روز کفاره و اهمیت آن برای شما»

(لاویان ۱۶:۱۲) سپس بخورسوزی پر از آخگرهای آتش از مذبح حضور خداوند و دو مشت بخور خوشبوی کوبیده شده برگرفته، به درون حجاب بیاورد.

ب ۱۱/۱۹ ص ۲۱ ۴۲

درس‌هایی ارزشمند از کتاب لاویان

^۴ لاویان ۱۲:۱۶، ۱۳ خوانده شود. کاهن اعظم در روز کفاره باید سه بار وارد قدس‌الاقداس می‌شد. حال، آن روز را در ذهن تجسم کنید. او وارد خیمه عبادت می‌شود. او

ذبح کند و خون آن را به درون حجاب آورده، با آن خون همان کند که با خون گوساله کرد؛ یعنی آن را بر جایگاه کفّاره و پیش روی آن بپاشد.

ب۱۱/۱۹ ص ۲۱ || ۶۴

درس‌هایی ارزشمند از کتاب لاویان

همان طور که گفته شد، کاهن اعظم باید پیش از تقدیم قربانی‌های گناه، بخور می‌سوزاند. به این شکل، او پیش از تقدیم قربانی اطمینان می‌یافت که یهوه از او خشنود است. ما از این نکته چه درسی می‌آموزیم؟ عیسی طی مدتی که روی زمین بود باید پیش از آن که زندگی‌اش را به عنوان قربانی تقدیم کند، کاری بسیار مهم انجام می‌داد: کاری حتی مهم‌تر از نجات انسان‌ها! او طی زندگی زمینی خود، ابتدا باید کاملاً به یهوه وفادار می‌ماند تا قربانی‌اش مورد قبول او واقع شود. او با حفظ وفاداری خود نشان داد که زندگی مطابق با معیارهای یهوه، بهترین زندگی است. به علاوه، او ثابت کرد که تنها یهوه حق حاکمیت بر انسان‌ها را دارد.

کندوکاو برای یافتن گوهرهای روحانی

(لاویان ۱۰:۱۶) اما بزی را که قرعه غزایل بر آن افتاد، زنده به حضور خداوند حاضر کنند تا بر آن کفّاره به جا آورده شود و به بیابان نزد غزایل فرستاده شود.

E-۱-۱۲ ص ۲۲۶ || ۳۴

غزایل

همان طور که پولس رسول توضیح داد، عیسی با فدا کردن جان کامل خود راه بخشش گناهان را برای بشر امکان‌پذیر ساخت: کاری که با قربانی «گاوها و بزها» غیرممکن بود. (عب ۴:۱۰، ۱۱، ۱۲) بدین ترتیب عیسی «رنج‌های ما را بر خود گرفت، و «به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد.» (اش ۴:۵۳، ۵؛ مت ۸:۱۷؛ ۱ پط ۲:۲۴) او گناهان همه کسانی را که به او ایمان دارند و به ارزش قربانی‌اش کاملاً واقفند، بر «بدن خود حمل کرد، تا به

در یک دست، ظرفی پر از بخور معطر و در دست دیگر بخورسوزی از طلا، پر از زغال‌های افروخته دارد. سپس چند لحظه در مقابل پرده‌ای که ورودی قدس‌الاقداس را می‌پوشاند می‌ایستد. او با احترامی عمیق وارد قدس‌الاقداس می‌شود و جلوی صندوق عهد می‌ایستد. به طور نمادین می‌توان گفت که او در مقابل یهوه ایستاده است! حال، کاهن اعظم با دقت تمام، بخور را روی زغال‌های افروخته می‌ریزد و ابری با رایحه خوشایند اتاق را پر می‌کند. سپس او با خون قربانی‌های گناه دوباره وارد قدس‌الاقداس می‌شود. توجه کنید که کاهن اعظم پیش از تقدیم خون قربانی‌های گناه به یهوه، بخور می‌سوزاند.

(لاویان ۱۶:۱۳) بخور را بر آتشی که در حضور خداوند است بریزد، تا ابر بخور، جایگاه کفّاره را که بر صندوق شهادت است بپوشاند، مبدا بمیرد.

ب۱۱/۱۹ ص ۲۱ || ۵۴

درس‌هایی ارزشمند از کتاب لاویان

ما از سوزاندن بخور در روز کفّاره چه می‌آموزیم؟ کتاب مقدس دعا‌هایی را که مورد تأیید یهوه است به بخور تشبیه می‌کند. (مز ۱۴۱:۲؛ مکا ۵:۸) همان طور که گفته شد، کاهن اعظم با احترام زیاد، بخور را نزد یهوه می‌برد. به طور مشابه، ما برای دعا باید با احترامی عمیق نزد یهوه برویم. واقعاً قدر دانیم که آفریدگار عالم هستی این فرصت را به ما داده است که او را پدر خود بدانیم و به او نزدیک شویم. (یعقو ۴:۸) او ما را به عنوان دوستان خود می‌پذیرد! (مز ۲۵:۱۴، مرده برای عصر جدید) ما می‌خواهیم همواره قدر این فرصتی را که داریم بدانیم و هرگز یهوه را از خود ناامید نکنیم.

(لاویان ۱۴:۱۶، ۱۵) سپس مقداری از خون گوساله را بگیرد و با انگشت خود بر قسمت جلویی جایگاه کفّاره، بر ضلع شرقی، بپاشد؛ آنگاه مقداری از خون را با انگشت خود هفت بار پیش روی جایگاه کفّاره بپاشد. ۱۵ «سپس بز قربانی گناه را که برای قوم است

اصطلاح به فراموشی سپرده شود. بدین شکل، بزی که به بیابان فرستاده می‌شد پیش‌نمایی از قربانی عیسی بود. واژه «عزازیل» احتمالاً به معنی «بزی که ناپدید می‌شود» است. — لا ۱۶:۸.

(لاویان ۱۷:۱۰، ۱۱) «هر که از خاندان اسرائیل یا غریبان ساکن در میان آنها هر قسم خون بخورد، من روی خود را بر ضد آن شخص که خون خورده است خواهم گردانید و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت.»^{۱۱} زیرا حیات هر جاندار در خون است، و من آن را بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند؛ زیرا خون است که به واسطه حیاتش کفاره می‌کند.

ب ۱۱/۱۵ ص ۱۰ ۱۰۱
چرا باید مقدس باشیم؟

۱۰ لاویان ۱۷:۱۰ خوانده شود. یهوه به اسرائیلیان فرمان داد که هیچ نوع خونی نخورند. مسیحیان نیز موظفند که از هرگونه استفاده از خون، چه خون حیوان چه خون انسان بپرهیزند. (اعما ۲۸:۱۵، ۲۹) حتی تصوّر این که عملمان باعث شود خدا «روی خود را از ما برگرداند» و ما را از جماعت خود طرد کند، بسیار دردناک است. ما یهوه را دوست داریم و می‌خواهیم مطیع او بمانیم. حتی هنگام مواجهه با موقعیتی خطرناک، مصمم هستیم که تسلیم آنانی نشویم که یهوه را نمی‌شناسند و می‌خواهند ما را به سرپیچی از او وادارند. بلی، باید انتظار داشته باشیم که به دلیل اجتناب از خون مورد تمسخر قرار گیریم. با این حال، ما می‌خواهیم مطیع خدا بمانیم. (یهو ۱۷، ۱۸) چه چیزی ما را تقویت می‌کند تا مصمم باشیم خون نخوریم یا تزریق خون را نپذیریم؟ — تث ۲۳:۱۲.

خواندن کتاب مقدس

(لاویان ۱۶:۱-۱۷) خداوند پس از مرگ دو پسر هارون که هنگام نزدیک شدن به خداوند مردند، موسی را خطاب کرده،^۲ به او گفت: «به برادرت هارون بگو به

قدس درون حجاب، پیش جایگاه کفاره که بر صندوق است، همه وقت داخل نشود، مبادا بمیرد؛ زیرا من در ابر، بر فراز جایگاه کفاره ظاهر می‌شوم.^۳ بلکه باید بدین‌گونه به قدس داخل شود: با گوساله‌ای نرینه برای قربانی گناه و قوچی برای قربانی تمام‌سوز.^۴ او باید پیراهن مقدس کتان را بپوشد، زیرجامه کتان را بر تن کند، شال کتان را بر کمر بندد، و دستار کتان را بر سر نهد. اینها جامه‌های مقدسند؛ پس بدن خود را به آب غسل دهد و آنها را بپوشد.^۵ او باید از جماعت بنی‌اسرائیل دو بز نر برای قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی تمام‌سوز بگیرد.^۶ «هارون گوساله قربانی گناه را که برای خود اوست تقدیم کند، و برای خود و اهل خانه‌اش کفاره به جا آورد.^۷ آنگاه دو بز را بگیرد و آنها را نزد در خیمه ملاقات به حضور خداوند حاضر سازد.^۸ هارون بر آن دو بز قرعه بیفکند، یک قرعه برای خداوند و دیگری برای عزازیل.^۹ سپس بزی را که قرعه خداوند بر آن افتاد بیاورد و آن را به عنوان قربانی گناه تقدیم کند.^{۱۰} اما بزی را که قرعه عزازیل بر آن افتاد، زنده به حضور خداوند حاضر کنند تا بر آن کفاره به جا آورده شود و به بیابان نزد عزازیل فرستاده شود.^{۱۱} «هارون گوساله قربانی گناه را که برای خود اوست بیاورد، و برای خود و اهل خانه‌اش کفاره به جا آورد. او باید گوساله قربانی گناه را که برای خود اوست، ذبح کند.^{۱۲} سپس بخورسوزی پر از آخگرهای آتش از مذبح حضور خداوند و دو مشت بخور خوشبوی کوبیده شده برگرفته، به درون حجاب بیاورد.^{۱۳} بخور را بر آتشی که در حضور خداوند است بریزد، تا ابر بخور، جایگاه کفاره را که بر صندوق شهادت است بپوشاند، مبادا بمیرد.^{۱۴} سپس مقداری از خون گوساله را بگیرد و با انگشت خود بر قسمت جلویی جایگاه کفاره، بر ضلع شرقی، بپاشد؛ آنگاه مقداری از خون را با انگشت خود هفت بار پیش روی

جایگاه کفّاره بپاشد. ^{۱۵} «سپس بزِ قربانی گناه را که برای قوم است ذبح کند و خون آن را به درون حجاب آورده، با آن خون همان کند که با خون گوساله کرد؛ یعنی آن را بر جایگاه کفّاره و پیش روی آن بپاشد. ^{۱۶} بدین‌گونه برای قُدس کفّاره به جا خواهد آورد، به جهت ناپاکیهای قوم اسرائیل و نافرمانیهایشان، یعنی برای تمامی گناهان آنها. آری، او برای خیمهٔ ملاقات که با ایشان در میان ناپاکیهایشان ساکن است، چنین به عمل خواهد آورد. ^{۱۷} از زمانی که هارون داخل می‌شود تا در قُدس برای خود و اهل خانه‌اش و برای تمامی جماعت اسرائیل کفّاره به جا آورد، تا زمانی که بیرون می‌آید، هیچ‌کس نباید در خیمهٔ ملاقات باشد.